

.....	لیاقت در ممالک و...	۱۱
.....	لهبلا و ناله‌های بال...	۱۵
.....	۱۷
.....	۲۷
.....	۲۷
.....	۳۴
.....	۳۹
.....	۴۲
.....	۴۴
.....	۴۷
.....	۵۱
.....	۵۳
.....	۵۷
.....	۶۲
.....	۷۱
.....	۷۷
.....	۸۲
.....	۸۹
.....	۸۹
.....	۹۲
.....	۹۵

فهرست

۱۱	یادداشت مترجم
۱۵	قدردانی مؤلف
۱۷	مقدمه: انقلاب فرانسه، فلاکت آلمان
۲۷	۱. انقلاب‌های از دست رفته: ترجمه، انتقال، آسیب
۲۷	«... حرکتی با سرعتی ناممکن»
۳۴	ترجمه یا جابه‌جایی قدرت
۳۹	انقلاب کوپرنیکی و دیگر انقلاب‌ها
۴۲	عصای جادویی قیاس
۴۴	هنوز زود و دیگر دیر
۴۷	ترجمه به مثابه‌ی زخم
۵۱	۲. تأثر کانتی
۵۳	جنایت بی‌کفاره
۵۷	غرق کشتی در حضور تماشاگر
۶۲	مغاک شکل
۷۱	اهریمنی؟
۷۷	انقلاب اخلاقی
۸۲	صحنه‌ای دیگر؟
۸۹	۳. پیکر بی‌جان ایمان [مسیحی]
۸۹	انقلاب یا اصلاح
۹۲	بدون ردخور
۹۵	محوسازی‌ها

یادداشت مترجم

این کتابی است کوتاه و فشرده، و دشوار. نگارش آن، به گفته‌ی خود کامی، سال‌ها طول کشیده است. با توجه به همین ویژگی‌ها است که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان و نباید آن را یکی دیگر از کتاب‌هایی دانست که هر ساله در معرفی هگل به علاقه‌مندان فلسفه و دانشجویان مقطع کارشناسی نوشته می‌شوند.^۱ به همین ترتیب، علی‌رغم پرداختن به فصولی از پدیدارشناسی روح، نمی‌توان آن را شرحی بر این کتاب یا تلاشی جهت توضیح برخی ایده‌ها و بخش‌های غامض آن تلقی کرد.

عنوان فرعی کتاب یادآور توصیف آلن بدیو از فلسفه و شروط آن است.^۲ به اعتقاد بدیو، فلسفه خود مولدِ حقیقت نیست و تاریخی هم ندارد که گویای بسط حقیقت در مسیری خاص و به شکلی متوالی باشد. بر اساس توصیف بدیو، این تولیدِ حقیقت، در قلمروهای چهارگانه‌ی علم، هنر، سیاست، و عشق است که پیش شرط و موضوعی برای تفکر فلسفی فراهم می‌آورد و کار اصلی فلسفه، اندیشیدن به روابط میان حقایق یک دوره‌ی تاریخی خاص، و امکان و نحوه‌ی ظهور هم‌زمان (compossibility) آن‌ها است. بی‌شک این توصیف، نکات بسیاری را توضیح می‌دهد - برای مثال، این واقعیت مهم که ما در فلسفه هنوز هم افلاطون و ارسطو را در کنار کانت و هگل و همراه با پتیارمین و آدورنو می‌خوانیم، تو گویی اینان همه هم‌عصر یک‌دیگرند؛ واقعیتی که پیش از هر چیز دیگر، تفاوت فلسفه با علم را عیان می‌سازد. اما تا آن‌جا که به بحث ما

۱. هرچند تردیدی نیست که این تفسیر نیز، هم‌چون باقی تفاسیر، نقاط قوت و ضعف خود را دارد و از برخی جهات قابل نقد است - به‌ویژه با توجه به این حقیقت که خود فلسفه‌ی هگل نیز بی‌بهره از ابهام نیست.

۲. رجوع کنید به ترجمه‌ی صالح نجفی و محسن ملکی از فصل اول کتاب فلسفه برای مبارزان در سایت www.thesis11.com (تر: یازدهم).

- ۱۰۱ ترور به‌مثابه‌ی ماخلولیا
- ۱۰۶ در باب پادشاهان و کلم‌ها
- ۱۱۵ خوف از خلأ
- ۱۲۵ ۴. انقلاب بافاصله، یا، ترور اخلاقی
- ۱۲۶ ترمیدور فلسفی
- ۱۳۰ «... سرزمینی دیگر»
- ۱۳۳ از حکومت وحشت به اضطراب
- ۱۳۸ اخلاقیات به‌منزله‌ی ایدئولوژی بردگان
- ۱۴۰ کانت در مقام تروریست
- ۱۴۷ گام نخست: اخلاقیات به‌منزله‌ی انحراف
- ۱۵۱ گام دوم: انحراف به‌منزله‌ی زیباشناسی‌گری
- ۱۵۵ گام سوم: زیباشناسی‌گری به‌منزله‌ی ایدئولوژی
- ۱۶۲ سوژگی تبخیرشده
- ۱۷۵ ۵. وحشت‌های لوح سپید
- ۱۷۶ تناقضات (آنتونومی‌های) بخشایش
- ۱۸۴ «شتابان به سوی آشتی»
- ۱۹۰ زخم‌های روح
- ۱۹۲ سیاست بخشایش؟
- ۲۰۰ جان جهان سوار بر اسب
- ۲۰۴ «حیات خودجوش مردگان»
- ۲۰۷ خاکستری بر خاکستری (هگل، بکت، ریشتر)
- ۲۱۳ «تو گویی هیچ نیاموخته بود...»
- ۲۱۸ «ها، اربابان...»
- ۲۲۵ فهرست نام‌های اختصاری منابع اصلی
- ۲۲۷ منابع و یادداشت‌ها
- ۲۶۳ نمایه